



اهدای کتاب مردم را کتابخوان نمی‌کند/ چه کتابی بخوانیم؟

یحیی یثربی گفت: اگر کتابخوان نداشته باشیم، نشر و معرفی کتاب و حتی اهدای مجانی آن کارساز نخواهد بود. اهدای کتاب، نه تنها مردم را کتابخوان نمی‌کند، بلکه کتاب را هم بی‌مقدار می‌سازد.

یحیی یثربی گفت: اگر کتابخوان نداشته باشیم، نشر و معرفی کتاب و حتی اهدای مجانی آن کارساز نخواهد بود. اهدای کتاب، نه تنها مردم را کتابخوان نمی‌کند، بلکه کتاب را هم بی‌مقدار می‌سازد.

به گزارش خبرنگار مهر دکتر یحیی یثربی استاد بازنشسته فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی و مفسر قرآن در یادداشتی با طرح این سؤال که «در کشور ما وضع کتاب و کتابخوانی چندان مطلوب نیست. چرا در چنین شرایطی قرار داریم؟!» به آن پاسخ داد که شما را به مطالعه آن دعوت می‌کنیم.

به نظر من مشکل ما به کتاب مربوط نیست، به کتابخوان مربوط است. درست است که از نظر کتاب هم مشکل داریم اما مشکل اصلی ما کتاب نیست، بلکه کتابخوان است.

اگر کتابخوان نداشته باشیم، نشر و معرفی کتاب و حتی اهدای مجانی آن کارساز نخواهد بود. اهدای کتاب، نه تنها مردم را کتابخوان نمی‌کند، بلکه کتاب را هم بی‌مقدار می‌سازد. بعضی از مراکز و اشخاص کتابشان را به سازمان‌های مختلف می‌فروشند و آنان این کتاب‌ها را به افراد خود هدیه می‌کنند. چنین کاری بیشتر هدر دادن بودجه و بی‌مقدار کردن و دفن کتاب است، نه ترویج آن!

ما باید درباره کتابخوانی مردم فکری بکنیم. مردم جامعه ما کم کتاب می‌خوانند و این کار دلایلی دارد که من به چندین مورد از آن‌ها اشاره می‌کنم:

۱-shy&۱: رواج فرهنگ شفاهی: هنوز مردم جامعه ما، مانند دوران گذشته که مردم بی‌سواد بودند، بیشتر به شنیدن علاقه‌مندند، به سخنرانی گوش می‌دهند و همه چیز را می‌خواهند از جایی بشنوند، حتی از زبان بازیگران فیلم‌ها و تئاترها. در صورتی که با گسترش باسوادی مردم باید فرهنگ مطالعه ترویج می‌شد. مثلاً ما برای آموزش دین به جای دعوت به کتابخوانی، کارشناس دینی اعزام می‌کنیم و همچنین....

۲- ذهن سنتی: ذهن ما هنوز سنتی است یعنی ذهنی است که مسائل موجود را تکرار می‌کند و شنیده‌هایش را بارها و بارها می‌شنود و از تکرار خسته نمی‌شود. در صورتی که باید ذهن مردم جامعه، یک ذهن جدید باشد. ذهن جدید، تحلیلی و انتقادی می‌نگرد و همیشه به دنبال سخن جدید و مطلب نو است.

۳-shy&۳: انتزاعی بودن مطالب: علوم انسانی در جامعه ما بومی نشده است؛ یعنی ما خودمان در تحول و تولید این علوم دخالت نداریم، بنابراین همیشه با مجموعه‌ای از مفاهیم ذهنی و انتزاعی روبرو هستیم و مردم از مفاهیم انتزاعی و ذهنی سودی نمی‌برند. ما باید به مسائل عینی جامعه پرداخته و مشکلات زندگی مردم را مطرح کنیم. بیشتر کتابخوانان ما از بحث‌های ملاصدرا یا هایدگر سودی نمی‌برند. ما باید از مشکلات و مسائل زندگی آنان سخن بگوییم تا راه و رسم اندیشیدن و رفتار عاقلانه را رواج دهیم و در مردم جامعه، حس کنجکاوی ایجاد کنیم و مردم را با نقش خودشان در سامان‌دهی زندگی آشنا سازیم.

۴-shy&۴: تک‌صدایی بودن: در صحنه کتاب، تک‌صدایی پر رنگ است. ما باید فضایی برای بحث و نظریه‌پردازی داشته باشیم. البته مسئول این تک‌صدایی بیش از آن‌که سیاست‌گذاران جامعه باشند، خود محققان هستند که از آوردن سخن نو، ناتوان‌اند.

۵-shy&۵: سیاست زدگی: در جامعه ما دو قطب مخالف وجود دارد که یکی دولت است و دیگری اپوزیسیون. در چنین جامعه‌ای، دو صدایی بیش از آن‌که جنبه علمی داشته باشد، جنبه‌ی سیاسی دارد و اعتراض و مخالفت، جای تفکر و دقت عقلی را می‌گیرد. ای بسا مطلبی که مطلوب گروهی قرار می‌گیرد اما هیچ دلیل عقلی ندارد، جز این‌که در مقابل طرف مخالف، زده شده است؛ بنابراین دقت‌های عقلی جای خود را به شعار و تحقیر می‌دهد.

و اما چه کتابی بخوانیم؟!

با توجه به نکاتی که گفتم پاسخ این سؤال با خود شماست. بی‌تردید هر کسی به سراغ کتابی می‌رود که به آن علاقه‌shy&۵؛ مند است و اما اینکه من توصیه کنم که چه کتابی بخوانید. من در اینجا به سخن بعضی از مشایخ عرفان اشاره می‌کنم که به سالکان می‌گفتند: «هر کاری که در شما تحول ایجاد می‌کند و به شما تکامل می‌بخشد، آن را جدی بگیرید.»

آری! به سراغ کتابی روید که اندکی تفکر شما را توسعه دهد و شما را به بهره‌گیری درست از چشم و گوش و عقل و هوشتان یاری رساند.